

# بازنمایی آسیب‌شناسانه رسانه‌های نوین در مطالعات خانواده (فراتحلیل مقالات چاپ‌شده در خصوص تأثیر رسانه‌های نوین بر خانواده)

علی جنادله\* ، مریم رهنما\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

## چکیده

افزایش مصرف رسانه‌های نوین توجه پژوهشگران در خصوص رابطه این فناوری‌ها با ابعاد مختلف زندگی روزمره را به خود جلب کرده است. در این میان دیدگاه‌های متضادی در خصوص دلالت‌های فناوری‌های نوین رسانه‌ای در ارتباط با خانواده‌ها مطرح شده است. در جامعه ما نیز مصرف رو به رشد رسانه‌های نوین، زمینه‌ساز مطالعات قابل‌توجهی در خصوص تأثیر این رسانه‌ها بر خانواده‌ها شده است. ما در این مقاله، دیدگاه‌های مختلف مربوط به تأثیر رسانه‌های نوین بر خانواده را ذیل سه رویکرد آسیب‌شناختی؛ تأثیرات ایجابی و پیچیدگی تأثیرات صورت‌بندی کرده‌ایم و بر همین اساس مقالات منتشر شده طی دهه اخیر (۱۳۹۵-۱۳۸۵) را مورد بررسی قرار داده‌ایم. روش

ajanadleh@atu.ac.ir

mshrahnama@gmail.com

\* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

\*\* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی.

تحقیق در این مقاله فرا تحلیل می‌باشد و مقالات در ابعاد مختلف رویکرد نظری، روش، متغیرهای تحقیق و یافته‌های تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در بیشتر این مقالات رویکرد آسیب‌شناختی حاکم بوده و رسانه‌های نوین، به‌عنوان رسانه‌هایی آسیب‌زا بازنمایی شده‌اند. همچنین علاوه بر بی‌توجهی به تأثیرات مثبت این رسانه‌ها، پیچیدگی تأثیرات رسانه‌های نوین و همچنین نقش متغیرها و عوامل میانجی و نقش خانواده‌ها در پذیرش یا عدم پذیرش این رسانه‌ها و کنترل تأثیرات آن‌ها نادیده گرفته شده است. بر همین اساس با نگاهی مبتنی بر جبرگرایی تکنولوژیک، تصویری منفعلانه از خانواده در مواجهه با این رسانه‌ها ترسیم شده است. در نهایت بر اساس این یافته‌ها پیشنهادهایی در خصوص به‌کارگیری نظریات موضوعی به‌ویژه نظریه‌های حوزه مطالعات خانواده، روش‌های ترکیبی، انجام مطالعات طولی و توجه جدی به مکانیزم‌های تأثیرگذاری و متغیرهای میانجی جهت فهم و تبیین بهتر رابطه متقابل رسانه‌های نوین و ابعاد مختلف خانواده ارائه شده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** رسانه‌های نوین، خانواده، فراتحلیل، پیچیدگی تأثیرات

## مقدمه

مرور تاریخ تحولات فناوری‌های مختلف طی دوره‌های اخیر نشان می‌دهد که ورود هر فناوری جدید، بحث‌وجدل‌هایی را به همراه داشته است. پژوهشگران خانواده نیز معمولاً به این مباحث بی‌توجه نبوده و تأثیرات نوآوری‌های فناورانه بر ابعاد مختلف خانواده یکی از حوزه‌های مطالعاتی موردعلاقه و توجه آن‌ها بوده است. در این خصوص، می‌توان به بحث‌های لیند و لیند (۱۹۲۹) در خصوص تأثیر اتومبیل بر رفتار جوانان و خانواده و همچنین بررسی‌های صورت گرفته توسط آگرن و نیمکوف (۱۹۹۵) در ارتباط با تأثیر ماشین بر ویژگی‌ها و ماهیت خانواده و بحث‌های فیشر

(۱۹۹۲) در خصوص تأثیر گسترش تلفن بر تحرک افراد و همچنین روابط اجتماعی و روابط خانوادگی اشاره کرد. گسترش و افزایش کاربرد رسانه‌های نوین و دیگر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نیز توجه و علاقه‌مندی پژوهشگران در خصوص رابطه این فناوری‌ها با ابعاد مختلف زندگی روزمره همچون مشارکت اجتماعی، معاشرت پذیری<sup>۱</sup> و سرمایه اجتماعی، و ... را به خود جلب کرده است (Mesch, 2006: 1). در این میان مباحث مختلف و دیدگاه‌های متضادی در خصوص دلالت‌های فناوری‌های نوین رسانه‌ای در ارتباط با خانواده‌ها مطرح و ارائه شده است (Hughes & Hans, 2004; Villegas, 2013).

جامعه ما نیز امروزه شاهد گسترش حضور رسانه‌های نوین ارتباطی در خانه‌ها و خانواده‌ها می‌باشد. بر اساس آخرین اطلاعات ثبت شده در پرتابل سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، ضریب نفوذ اینترنت در نیمه اول سال ۱۳۹۷، به ۸۶/۸ درصد رسیده است. این در حالی است که ضریب نفوذ اینترنت در سال ۱۳۹۲، ۹/۱۷ درصد بوده است. مقایسه این آمار به خوبی بیانگر شتاب گسترش اینترنت در جامعه می‌باشد. همچنین بر اساس اطلاعات همین منبع، تعداد مشترکین تلفن همراه در نیمه اول سال ۱۳۹۷ از ۹۱ میلیون نفر فراتر رفته و بدین ترتیب ضریب نفوذ موبایل نیز از ۱۱۱ درصد عبور کرده است (سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، ۱۳۹۷). نتایج آخرین نظرسنجی ملی ایسپا نیز که در مهرماه ۱۳۹۷ اجرا شده است نشان می‌دهد نزدیک به ۶۴ درصد ایرانیان، عضو دست‌کم یکی از شبکه‌های اجتماعی می‌باشند (ایسپا، ۱۳۹۷: کد محتوا ۱۹۷۸). همچنین بر اساس جدیدترین آمار اعلام شده نیوزو در سپتامبر ۲۰۱۸، ضریب نفوذ گوشی هوشمند در ایران ۳۵/۱ درصد بوده و ایران با داشتن نزدیک به ۲۹ میلیون کاربر گوشی هوشمند، به لحاظ تعداد کاربران رتبه ۱۹ را در بین کشورها به خود اختصاص داده است (Newzoo, 2018).

چنین حضور و مصرف رسانه‌ای رو به رشدی، در جامعه علمی ما نیز زمینه‌ساز مطالعات قابل‌توجهی در خصوص تأثیر رسانه‌های نوین بر خانواده‌ها و تعاملات درونی آن‌ها شده است (بعنوان مثال عرفان‌منش و صادقی فسایی، ۱۳۹۷؛ حسین ثابت، جهانگرد و معتمدی، ۱۳۹۵؛ فرقانی و بدیعی، ۱۳۹۴). در این مقاله تلاش می‌شود، پس از صورت‌بندی مطالعات و دیدگاه‌های مختلف ارائه‌شده در تجارب جهانی در خصوص تأثیر رسانه‌های نوین بر خانواده، مطالعات داخلی در این چارچوب موردتوجه قرار گرفته و نسبت آن‌ها با رویکردهای متفاوت مطرح‌شده در این حوزه موردبحث و بررسی قرار گیرد و بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای لازم در ابعاد نظری، روشی و زمینه‌های مغفول پژوهش در این حوزه ارائه شود.

### رسانه‌های نوین و خانواده: سه رویکرد

مرور مطالعات انبوه صورت گرفته در زمینه تأثیرات رسانه‌های نوین بر خانواده نشان می‌دهد، تأملات نظری و یافته‌های تجربی، رویکردهای متفاوتی در این خصوص اتخاذ کرده و به گزاره‌های متفاوت و حتی متناقضی در خصوص پیامدهای حضور و مصرف رسانه‌های نوین در فضای تعاملات خانوادگی رسیده‌اند. برخی بر این باورند که فناوری‌های نوین رسانه‌ای همچون اینترنت، موبایل، کامپیوتر و ... به‌عنوان عامل و نیرویی منفی مانع روابط خانوادگی بوده و با تهی کردن روابط اجتماعی به انزوای اجتماعی خانواده از یکدیگر و فاصله گرفتن خانواده‌ها از جهان بیرون منجر شده‌اند (Stoll, 1995). در مقابل، دیگران این رسانه‌ها را نیروی مثبتی تلقی کرده‌اند که با رها کردن افراد از محدودیت‌های زمانی و مکانی، به تقویت روابط اجتماعی منجر شده و با ایجاد ارتباطات بیشتر، آموزش بهتر، بهبود فهم جهانی، جهان را به‌جای بهتری برای زندگی تبدیل خواهند کرد (Katz & Aspden, 1997; Rheingold, 1993). گروهی دیگر نیز ورود این فناوری‌ها به فضای خانواده را فرآیند پیچیده‌ای تلقی کرده‌اند که با

توجه به زمینه‌های اجتماعی مختلف و عوامل مداخله‌گر متفاوت، می‌تواند مناسبات خانوادگی را به انحاء مختلفی تحت تأثیر قرار دهند. در ادامه این دیدگاه‌های مختلف ذیل سه رویکرد آسیب‌شناختی، رویکرد ایجابی و رویکرد پیچیدگی تأثیر رسانه‌های نوین بر خانواده صورت‌بندی و معرفی شده‌اند.

### الف- رویکرد آسیب‌شناختی:

حجم قابل‌توجهی از مطالعات صورت گرفته در خصوص تأثیر فناوری‌های نوین رسانه‌ای بر خانواده، را می‌توان ذیل رویکرد آسیب‌شناختی<sup>۱</sup> دسته‌بندی کرد. در این میان بخش قابل‌توجهی از مطالعات، به این موضوع می‌پردازند که ورود تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به خانه‌ها به‌صورت بالقوه می‌تواند کیفیت و الگوهای روابط در خانواده را دگرگون کند (Mesch, 2006: 121). در این مطالعات، خانواده به‌عنوان یک نظام اجتماعی نسبتاً بسته تلقی شده است که فناوری‌های نوین ارتباطی باعث ایجاد رخنه در حصار آن می‌شوند (Daly, 1996: 82). این نوع مفهوم‌پردازی خانواده، بر اهمیت مرزهای خانواده<sup>۲</sup> تأکید می‌کند که مبتنی بر حفظ حریم خصوصی<sup>۳</sup> و همچنین زمان خانواده<sup>۴</sup> به‌عنوان نیازهای کارکردی عملکرد مؤثر نظام خانواده می‌باشد (Mesch, 2006: 123). براین اساس، زندگی خانوادگی دارای یک بخش اندرونی<sup>۵</sup> و یک بخش بیرونی<sup>۶</sup> است. اندرونی خانواده - که عموماً منظور خانه است - جایی است که اعضای خانواده قادر به بیان احساسات و خود واقعی خود بوده و توسط اعضای خانواده از طریق محدود کردن دسترسی اغیار<sup>۷</sup>، از آن محافظت می‌شود. (Berardo, 1998: 7). اما

- 
1. Pathological approach
  2. Family Boundaries
  3. privacy
  4. family time
  5. backstage
  6. front stage
  7. outsider

فناوری‌های ارتباطی با به چالش کشیدن مرزهای سنتی مکان و زمان و تداخل مکان و زمان کار و خانه، به‌طور عمده و روزافزونی منجر به واسازی و صورت‌بندی مجدد مفاهیم اساسی کار، خانه و زندگی روزمره شده‌اند (Salaff, 2002: 472).

ازجمله پیامدهای سست شدن مرزهای خانواده، تضعیف همبستگی خانواده<sup>۱</sup> می‌باشد. این موضوع بر اساس مفهوم «جایگزینی زمانی»<sup>۲</sup> تبیین می‌شود (Mesch, 2006: 122). پیش‌فرض این است که اوقات مشترک بین والدین و فرزندان پیش‌شرط مناسبات مثبت بین آن‌ها می‌باشد و کاهش در این زمان مشترک، در میزان همبستگی خانواده تأثیرگذار است (Subrahmanyam et al, 2001). بدین ترتیب از آنجاکه زمان اختصاص داده‌شده برای یک فعالیت را نمی‌توان به فعالیت دیگر اختصاص داد (Mesh: 2006, 122) به نقل از (Nie et al., 2002; Nie, Simpser, Stepanikova, & Zheng, 2004) و استفاده از رسانه‌هایی همچون اینترنت یک فعالیت زمان‌بر<sup>۳</sup> است، مصرف هرچه بیشتر آن‌ها به معنای کاهش زمان باهم بودن اعضای خانواده و فعالیت مشترک آن‌ها می‌باشد و این انزوای اجتماعی اعضای خانواده از یکدیگر را تسهیل می‌کند (Katz and Rice 2002; Kraut et al. 1998; Nie et al., 2002). همچنین، بر اساس فرضیه جایگزینی، فناوری‌های رسانه‌ای نوین، از طریق فراهم کردن فرصت تماس مستمر با بیرون از خانه، زمان صرف شده برای رسانه را جایگزین روابط مؤثر والدین-فرزندان کرده و منجر به کاهش این روابط می‌شوند (Kildare, & Middlemiss, 2017: 580).

این تأثیرات، در برخی مطالعات با عنوان خصوصی شدن<sup>۴</sup> مفهوم‌پردازی شده‌اند. فناوری‌های نوین رسانه‌ای همچون بازی‌های ویدیویی، بازی‌های رایانه‌ای، اینترنت و ایمیل، موبایل، ام‌پی‌تری پلیر و... سراسر خانواده و روتین‌های روزمره افراد را در خود غرق کرده و حضور آن‌ها در خانه، منجر به انزوای اجتماعی فزاینده و خصوصی شدن

- 
1. Family cohesion
  2. time displacement
  3. time-consuming activity
  4. privatization

زندگی افراد در خانه می‌شود (McGrath, 2012). فرآیندی که به تعبیر بوویل و لوینگستون (۲۰۰۱)، منجر به پدیده «فرهنگ اتاق شخصی»<sup>۱</sup> شده است. بدین معنی که کودکان بخش قابل توجهی از اوقات خود در خانه را بیش از آنکه در فضاهای جمعی و خانوادگی سپری کنند به مصرف فردی رسانه در اتاق خواب و شخصی خود، اختصاص می‌دهند که منجر به «خصوصی شدن زندگی کودکان» شده است (Bovill and Livingstone, 2001: 3).

همچنین مطالعه تطبیقی پاسکیو و همکارانش (۱۹۹۸) در بین خانواده‌های فلاندری، فرانسوی، ایتالیایی و سوئدی نشان می‌دهد، از آنجاکه رسانه‌های جدید بیشتر معطوف به مردان و جوانان می‌باشند، منجر به پدیدار شدن شکاف‌های نسلی و جنسیتی جدیدی در خانواده شده‌اند. این جداسازی برخلاف رسانه‌های سنتی همچون تلویزیون، بیش از آنکه از طریق محتوا عمل کند از طریق دسترسی عمل می‌کند. در سپهر زنانه خانه<sup>۲</sup>، تلویزیون و تلفن همچنان نقش مهمی ایفا می‌کند. اما در سپهر مردانه خانه<sup>۳</sup> بازی‌های ویدیویی و کامپیوتر نقش بیشتری در نشانگان هویت جنسیتی ایفا می‌کنند، به گونه‌ای که در بسیاری از خانواده‌ها رسانه‌های نوین، قلمروی مردانه می‌باشند. رسانه‌های نوین همچنین در مقایسه با تلویزیون کمتر به صورت بین نسلی مورداستفاده قرار می‌گیرند. بدین ترتیب الگوهای جدید کنش‌های متقابل خانوادگی به وجود می‌آید که بر اساس جنسیت و سن به صورت قلمروهای هر چه بیشتر مجزا از هم می‌باشند.

یکی دیگر از پیامدهای منفی موردتوجه رویکرد آسیب‌شناسانه، تضادهای خانوادگی است. دسترسی افراد به فناوری‌های نوین ارتباطی در خانواده، الگوهای کنش متقابل بین والدین و فرزندان را به شیوه‌ای منفی دگرگون کرده و بدین ترتیب هم‌زمان

- 
1. bedroom culture
  2. Feminine domestic sphere
  3. Masculine domestic sphere

با تضعیف همبستگی خانواده، باعث افزایش تضادهای بین نسلی می‌شود (Watt and Mesch 2003; White 1999; Lenhart, Rainie & Lewis, 2001). یکی از منابع این تضادها، نگرانی والدین در خصوص قرار گرفتن کودکان و نوجوانان در معرض محتوای خشونت‌آمیز، پورنوگرافی یا احتمال افشا و انتشار اطلاعات خانوادگی می‌باشد که والدین را به سمت نظارت و کنترل میزان و زمان دسترسی فرزندان به فضاهای مجازی و وضع قوانینی در خصوص میزان استفاده از رسانه‌های نوین ارتباطی سوق می‌دهد (Mesch, 2006). درحالی‌که نوجوانان ممکن است این قواعد و مقررات را به‌عنوان دخالت در امور شخصی خود و تلاش برای محدود ساختن استقلال خود تلقی کنند (Smetana, 1988).

علاوه بر این، بر اساس مدل بوم‌شناختی خانواده<sup>۱</sup>، فناوری‌های نوین رسانه‌ای به‌عنوان یکی از منابع تأثیرگذار بر تمایز و تخصیص نقش‌ها نیز می‌توانند زمینه‌ساز تضاد در خانواده شوند (Mesch, 2006). با توجه به اینکه عموماً فرزندان زودتر از والدین مهارت‌های مربوط به فناوری‌های نوین رسانه‌ای را فرا می‌گیرند، با فراهم شدن منبع دانشی که بیشتر در انحصار فرزندان می‌باشد، توازن قدرت سنتی مبتنی بر اقتدار والدین در خانواده به چالش کشیده و احتمال تضاد والدین و فرزندان در خصوص اقتدار و استقلال افزایش می‌یابد (Watt and Mesch, 2003; Kiessler et al., 2000; White 1999). بخش دیگری از تضاد نسلی، بر اساس شکاف انتظارات والدین و فرزندان، تبیین می‌شود (Mesch, 2006: 121). در بیشتر خانواده‌ها، والدین، کامپیوتر، اینترنت و دیگر رسانه‌های نوین را عمدتاً برای اهداف آموزشی و کمک به بهبود عملکرد تحصیلی در اختیار فرزندان قرار می‌دهند. این در حالی است که ممکن است جوانان، این رسانه‌ها را برای مقاصد متفاوتی با اهداف موردنظر والدین بکار ببرند که

این می‌تواند منجر به تضاد والدین و فرزندان شود ( Lenhart, 2003; Mesch, 2003; Livingstone & Bober, 2004; Madden, & Hitlin, 2005, 2005).

### ب- رویکرد تأثیرات ایجابی<sup>۱</sup>

بخش دیگری از مطالعات، شواهد متفاوتی از تأثیرات رسانه‌های نوین بر خانواده ارائه کرده‌اند که بیانگر پیامدهای مثبت این رسانه‌ها بر مناسبات و تعاملات خانوادگی می‌باشند. ما این مطالعات را ذیل رویکرد تأثیرات ایجابی صورت‌بندی کرده‌ایم. بر اساس این مطالعات، رسانه‌های نوین، دسترسی آنلاین افراد به اطلاعات مربوط به مسائل و موضوعات خانوادگی همچون والدگری، آموزش کودکان و بهداشت خانواده را فراهم می‌کنند. همچنین مشارکت در بحث‌های خانوادگی آنلاین، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی فراهم‌کننده حمایت اجتماعی، راهنمایی و مشورت برای خانواده را تسهیل می‌کنند ( Mesh, 2006: 12 به نقل از Hughes & Hans, 2001). علاوه بر این، فناوری‌های نوین رسانه‌ای، می‌توانند زمینه‌ساز کسب مهارت‌های جدید و بهبود عملکرد تحصیلی کودکان شده و از این طریق در رشد فکری و اجتماعی کودکان تأثیرگذار بوده و آن‌ها را برای آینده‌ای که در آن فناوری نقش مهمی بازی می‌کند، آماده کنند (Mesch, 2006; Plowman et. al 2008: 316). مطالعات تجربی، تأثیر مثبت دسترسی خانگی به رسانه‌های نوین بر عملکرد تحصیلی باوجود کنترل درآمد خانواده و سرمایه اجتماعی و فرهنگی را تأیید می‌کنند (Atewell & Battle, 1999).

بر اساس رویکرد ایجابی، رسانه‌های نوین، از طریق ترویج الگوهای متفاوتی از تعامل اجتماعی، امکان دسترسی به اطلاعات و بهبود تخصیص زمان، چشم‌اندازهای جدیدی را برای اعضای خانواده به وجود آورده‌اند ( Venkatesh and Vitalari, 1985: 199). موریسون و کراگمن (۲۰۰۱)، تأثیرات رسانه‌های نوین را در دو حوزه داخلی<sup>۲</sup> و

---

1. positive effects approach  
2. internal

خارجی<sup>۱</sup> خانه مورد توجه قرار داده‌اند. کارکردهای اجتماعی درونی، «تعاملات اجتماعی میان اعضای خانواده» را تسهیل می‌کنند در حالی که کارکردهای اجتماعی بیرونی، «تعامل با افرادی که در خانه حضور فیزیکی ندارند» را تقویت می‌کنند ( Morrison and Krugman, 2001: 142).

توجه به کارکردهای درونی و بیرونی رسانه‌های نوین در دیدگاه‌های دیگران نیز منعکس شده است. یون (۲۰۰۶)، براین باور است که اینترنت، افراد جوان را قادر می‌سازد که مناسبات خانوادگی خود را از نو شکل داده و تقویت کنند و از این طریق روابط خود را فراتر از خانواده هسته‌ای با خانواده گسترده<sup>۲</sup> تقویت کنند ( Yoon, 2006: 158). دیمایو و همکارانش (۲۰۰۱) نیز در مطالعات خود پی برده‌اند که اینترنت از طریق درگیر کردن افراد در تماس‌های بیشتر، هم با دوستان و هم با اعضای خانواده؛ به تقویت پیوندهای اجتماعی<sup>۳</sup> کمک می‌کند (۳۱۷). در مطالعه هوارد و همکارانش (۲۰۰۱)<sup>۴</sup>، شصت درصد کاربران اینترنت گزارش کرده‌اند که با داشتن اینترنت، در مقایسه با زمانی که به اینترنت دسترسی نداشتند، ارتباط بیشتری با خانواده و دوستان خود دارند.

اما فراتر از تأثیر مثبت اینترنت بر ارتباطات اجتماعی دور، کاربرد اینترنت با افزایش ارتباطات چهره به چهره افراد با خانواده و دوستان نیز رابطه مثبت داشته است (Kraut et al, 2002). هامپتون و ولمن (۲۰۰۰)، در مطالعه خود نشان داده‌اند که در یک محله افراد دارای دسترسی به اینترنت، در مقایسه با افرادی که اینترنت نداشتند، سه برابر با همسایگان خود آشنایی داشته، دو برابر با یکدیگر صحبت کرده و یک و نیم برابر بیشتر همدیگر را به خانه دعوت کرده‌اند. این نویسندگان بر این اساس نتیجه گرفته‌اند که برخلاف این تصور که اینترنت ممکن است جایگزین پیوندهای چهره به

---

1. external  
2. Extended family  
3. social ties  
4. Howard et al., 2001

چهره شود، پیوندهای مبتنی بر اینترنت با فراهم کردن فرصت‌های جدیدی برای روابط اجتماعی و درگیری محلی، موجب حمایت و تقویت پیوندهای اجتماعی همسایگان می‌شود. بدین ترتیب فناوری‌های رسانه‌ای علاوه بر تأثیر مثبت بر ارتباطات مجازی، بر گسترش و تداوم شبکه‌های اجتماعی در دنیای واقعی نیز تأثیر مثبت داشته‌اند.

چنین تأثیری در روابط درون خانواده نیز مشاهده شده است. حضور فناوری‌های نوین ارتباطی، با فراهم کردن فرصت‌های جدیدی برای فعالیت مشترک، می‌تواند تأثیر مثبتی بر ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر داشته باشد. این فناوری‌ها از طریق مشارکت والدین و فرزندان در فعالیت‌هایی همچون بازی‌های دیجیتال، نصب نرم‌افزارها و آموزش و یادگیری نحوه استفاده از آن‌ها، فرصت‌هایی جدیدی را برای همکاری و تعامل والدین و شکل‌گیری یک تجربه مشترک و در نهایت تسهیل و تقویت تعاملات اجتماعی در خانه فراهم می‌کنند ( Morrison and Krugman, 2001: 143; Orleans and Laney, 2000; Padilla-Walker, Coyne, & Fraser, 2012).

علاوه بر این، فناوری‌های نوین رسانه‌ای، می‌توانند تأثیر مهمی در تغییر «معنای زمان خانواده»<sup>۱</sup> داشته باشند (Mesch, 2006: 124). این تغییر مبتنی بر این فرضیه است که این فناوری‌ها از طریق باز برگرداندن بسیاری از فعالیت‌های خانوادگی به خانه همچون اشتغال، آموزش و خرید که توسط جامعه صنعتی به بیرون از خانه منتقل شده‌اند، موجب تحکیم روابط خانوادگی می‌شوند (Mesch, 2006: 120) به نقل از Tapscott, 1997). همان‌گونه که ماریسون و کروگمن بیان کرده‌اند، فناوری‌های رسانه‌ای نوین شیوه «یادگیری و تفریح افراد را دگرگون کرده و خصوصاً شدن<sup>۲</sup> فعالیت‌های اجتماعی‌ای که سابقاً بیرون از خانه انجام می‌دادند را تسهیل کرده‌اند». (Morrison and Krugman, 2001: 136) نتیجه مترتب بر این تغییرات، «بسط اوقات

---

1. meanings of family time  
2. privitisation

فراغت<sup>۱</sup> می‌باشد. بدین معنی که این فناوری‌ها منجر به کاهش فعالیت‌های مربوط به کار شده و در نتیجه به اعضای خانواده این اجازه را می‌دهند که در فعالیت‌های غیر شغلی زیادی با هم مشارکت کنند. در این صورت، اوقات فراغت افزایش یافته و افراد از انعطاف بیشتری در نحوه گذران زمان خود برخوردار می‌شوند و این به نوبه خود موجب کنترل هرچه بیشتر افراد بر زندگی خود و در نتیجه افزایش تعاملات اجتماعی می‌شود (Venkatesh and Vitalari, 1985: 9).

بدین ترتیب در رویکرد ایجابی، باور بر این است که گسترش رسانه‌های نوین، منجر به شکل‌گیری شکل جدیدی از تعاملات آنلاین می‌شوند که از طریق پر کردن شکاف‌های ارتباطی بین روابط رودررو، باعث تقویت روابط واقعی و غیر آنلاین می‌شوند (Wellman et al. 2001: 438). ولمن، هاس و هامپتون (۲۰۰۱) در مطالعه گسترده خود در خصوص کاربران اینترنت به این نتیجه رسیده‌اند که فعالیت‌های آنلاین به جای اینکه جایگزین ارتباطات اجتماعی غیر آنلاین شده یا آن‌ها را تضعیف کنند، مکملی برای آن‌ها می‌باشند.

### ج- رویکرد پیچیدگی تأثیرات

درحالی‌که دو رویکرد یادشده، به طور یک‌جانبه‌ای بیانگر تأثیرات منفی یا مثبت فناوری‌های نوین رسانه‌ای بر خانواده و تعاملات درون می‌باشند، شواهد تجربی به دست آمده از مطالعات دیگر، نشان می‌دهند که فناوری‌های نوین رسانه‌ای، تعاملات اجتماعی درون خانواده را به شیوه‌های مختلفی تحت تأثیر قرار می‌دهند. حضور این فناوری‌ها در خانه می‌تواند منجر به خصوصی و انفرادی شدن هرچه بیشتر زندگی افراد خانواده شود (McGrath, 2012). باین‌وجود نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد که خصوصی شدن دسترسی به رسانه و کاهش مصرف جمعی آن لزوماً منتهی به انحصار

استفاده انفرادی نشده و رسانه همچنان یک تجربه مشترک با اعضای خانواده می‌باشد (Pasquier et al, 1998: 516).

باکینگهام (۲۰۱۳) نیز به دو دیدگاه متعارض در خصوص تأثیر رسانه بر کودکان اشاره می‌کند: نخست دیدگاه منفی مبنی بر اینکه رسانه‌های الکترونیک منجر به آن چیزی می‌شود که به عنوان مرگ کودکی<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. بدین معنی که این رسانه‌ها منجر به آسیب‌پذیری<sup>۲</sup> کودکان، تحلیل بردن فردیت آن‌ها و تباه کردن معصومیت<sup>۳</sup> آن‌ها می‌شوند. در مقابل دیدگاه مثبت نشان می‌دهد رسانه‌های نوین کودکان را به شکل قدرتمندی به سواد رسانه‌ای<sup>۴</sup> مجهز کرده و فرصت‌های جدیدی برای خلاقیت، فراغت و خودشکوفایی<sup>۵</sup> کودکان فراهم می‌کنند.

در خصوص تأثیر فناوری‌های نوین رسانه‌ای بر معنای زمان خانواده نیز دیدگاه‌ها و شواهد متعارضی وجود دارد. از یک‌سو، این رسانه‌ها باعث تداخل هرچه بیشتر مرزهای بین زمان کار و زمان خانواده شده‌اند (Howard et al., 2001; Salaff, 2002)، به‌گونه‌ای که برخی فعالیت‌های مرتبط با کار در خانه انجام شده و برخی کارهای شخصی در محل کار انجام داده می‌شوند. اما هم‌زمان، این رسانه‌ها به‌عنوان راه‌حلی برای تنش‌های کار-خانواده، مراقبت از فرزندان و بسیاری دیگر از مشکلات دشوار خانواده نیز در نظر گرفته شده‌اند (Hughes & Hans, 2004). بدین ترتیب به نظر می‌رسد با حضور فناوری‌های نوین رسانه‌ای در خانه‌ها، خانواده‌ها در تقاطع دو مسیر متفاوت قرار گرفته‌اند: یک مسیر فرصت‌های زیادی را برای فعالیت‌های مشترک درون خانه فراهم می‌کند و مسیر دیگر اعضای خانواده را به جهان انزوای فناوری<sup>۶</sup> پرت می‌کند (Daly, 1996).

- 
1. the death of childhood
  2. vulnerability
  3. innocence
  4. media literacy
  5. self-fulfillment
  6. solitary world of technology

این شواهد متفاوت، زمینه‌ساز تلاش‌های نظری و مطالعات تجربی قابل‌توجهی برای تبیین این تفاوت‌ها شده‌اند. در این خصوص می‌توان به استفاده از رویکرد رشد خانواده<sup>۱</sup> برای تبیین تأثیرات متفاوت رسانه‌های نوین در مراحل مختلف زندگی خانوادگی اشاره کرد. نظریه رشد خانواده بیان می‌کند که خانواده‌ها فرآیندی تحولی را طی می‌کنند که دربرگیرنده تغییرات و انطباق‌های قابل‌توجهی در هر مرحله رشد می‌باشند. این رویکرد بر مراحل رشد خانواده همچون انتخاب همسر، ازدواج، رفتن بچه‌ها به مدرسه، نوجوانی، بزرگسالی بچه‌ها و مرحله پساوالدینی<sup>۲</sup> و بازنشستگی تأکید می‌کند. فرض زیربنایی این است که خانواده‌ها در هر یک از این مراحل رشد، با موضوعات متفاوتی در ارتباط با مصرف اینترنت و کاربرد کامپیوتر در خانواده مواجه بوده و تأثیرات این فناوری‌ها بر خانواده به مرحله‌ای از فرآیند رشد که خانواده در آن قرار دارد، بستگی دارد (Mesch, 2006).

متغیر مهم دیگر بر اساس نظریه رشد خانواده، عامل زمان می‌باشد. به این معنی که در مراحل اولیه، حضور رسانه‌های نوین در محیط خانه، از آنجاکه خانواده مقررات مربوط به استفاده از این فناوری‌ها هنوز نهادینه نشده‌اند و نیازمند بحث و مذاکره در این خصوص می‌باشند، ممکن است منجر به تضاد شود. اما با گذشت زمان، همچون فناوری‌های دیگر، مقررات مربوط به آن‌ها در خانه پیاده شده و توسط خانواده پذیرفته می‌شوند. بدین ترتیب بخشی از تأثیرات منفی حضور رسانه‌های نوین که ناشی از مشکلات انطباقی خانواده می‌باشند که با گذشت زمان مرتفع می‌شوند (Mesch, 2006). یافته‌های تجربی مطالعه طولی کراوت و همکارانش (۱۹۹۸ و ۲۰۰۰)، تأثیر عامل زمان را تأیید می‌کند. آن‌ها در مطالعه گروهی از والدین و جوانان طی ۱ تا ۲ سال اول استفاده از اینترنت، مشاهده کردند که این افراد در مقایسه با زمانی که به اینترنت دسترسی نداشتند، زمان کمتری را به ارتباط با اعضای خانواده در داخل خانه اختصاص

---

1. family development  
2. post parenting

می‌دادند. اما تکرار مطالعه در ۲ تا ۳ سال بعد نشان داد که این کاهش اولیه در ارتباطات خانوادگی استمرار نداشته و حمایت اجتماعی و تعامل با افراد نزدیک و دور به سطح پیش از دسترسی به اینترنت برگشته است.

در برخی مطالعات دیگر، تأثیرات متعارض رسانه‌های نوین بر خانواده‌ها بر اساس نقش متغیرهای مداخله‌گر اجتماعی، خانوادگی، روان‌شناختی، نگرشی و ... تبیین شده است. هیوز و هانس (۲۰۰۴ و ۲۰۰۱)، بیان کرده‌اند که مطالعه اینترنت به‌تنهایی، به‌راحتی موجب بدفهمی در فهم چگونگی سازگاری آن با جنبه‌های زندگی خانوادگی و اعوجاج در اهمیت و تأثیر آن می‌شود و تأثیر هر فناوری باید در بستر و زمینه‌ای که مسائل و موضوعات مرتبط با خانواده در آن مطالعه می‌شوند، موردتوجه قرار گیرد.

گوستاو مش (۲۰۰۶) در مطالعه خود، تأثیر ویژگی‌های خانوادگی بر میزان تضادهای ناشی از حضور رسانه‌های نوین در خانه را موردتوجه قرار داده است. یافته‌های مطالعه او این فرضیه را که درگیری هرچه بیشتر والدین با جنبه‌های مختلف کاربرد اینترنت، باعث پذیرش بیشتر فناوری‌های نوین توسط آن‌ها شده و بدین ترتیب منجر به اجتناب هرچه بیشتر آن‌ها از تقابل و رویارویی با فرزندان می‌شود را تأیید می‌کند. او همچنین تأثیر میزان تحصیلات و وضعیت اقتصادی بر میزان تضادهای نسلی ناشی از مصرف رسانه‌های نوین را موردتوجه قرار داده است. این مطالعه همچنین نشان‌دهنده اهمیت نگرش‌های منفی والدین در تبیین تضادهای بین نسلی است. در خانواده‌هایی که والدین نگرانی‌های زیادی در خصوص تأثیر منفی اینترنت بر نوجوانان اظهار می‌کردند، احتمال تضاد بیشتر بود.

یکی دیگر از متغیرهای خانوادگی تعدیل‌کننده تأثیرات رسانه‌ای، استراتژی‌های اتخاذشده توسط والدین برای هدایت، مدیریت و کنترل مصرف رسانه‌ای کودکان است (Collier et al., 2016; Fikkers, Piotrowski, & Valkenburg, 2017; Haddon, & Mante-Meijer, 2016). خانواده‌ها، متناسب با ساختار مناسبات قدرت درون خانواده و

بسته به میزان اقتدار، صمیمیت و گشودگی بودن روابط بین والدین و فرزندان، استراتژی‌های متفاوتی را برای میانجی‌گری مصرف رسانه‌ای فرزندان بکار می‌برند (Haddon, & Mante-Meijer, 2016: 31). کولیر و همکارانش (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای در خصوص رابطه سبک‌های متفاوت میانجی‌گری والدین<sup>۱</sup> با قرار گرفتن کودکان در معرض خشونت رسانه‌ای و پرخاشگری، با تقاطع استراتژی‌های محدودکننده و فعال میانجی‌گری<sup>۲</sup> با سبک‌های استقلال-حمایتی<sup>۳</sup>، کترلی<sup>۴</sup> و نامنسجم<sup>۵</sup> به این نتیجه رسیدند که استراتژی میانجی‌گری محدودکننده به سبک استقلال-حمایتی، از طریق کاهش قرار گرفتن کودکان در معرض خشونت رسانه‌ای باعث کاهش پرخاشگری کودکان می‌شود. در مقابل، میانجی‌گری محدودکننده به سبک نامنسجم، با افزایش پرخاشگری از طریق افزایش قرار گرفتن در معرض خشونت رسانه‌ای رابطه دارد.

مطالعات روان‌شناختی در خصوص تأثیرات مصرف اینترنت نیز، فرضیه ترکیبی<sup>۶</sup> را ارائه کرده‌اند. ایده کلی در این فرضیه این است که مصرف اینترنت بر زمان خانواده، تضادها و انسجام خانواده تأثیر مستقیمی نداشته بلکه با واسطه ویژگی‌های روان‌شناختی و شخصیتی افراد، بر ابعاد مختلف خانواده تأثیر می‌گذارد. یافته‌های برخی مطالعات نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی به‌ویژه عزت‌نفس، تبیین‌کننده استفاده‌های متفاوت از اینترنت می‌باشد (Amichai-Hamburger & Ben-Artzi, 2003). عزت‌نفس پایین با رفتارهای اعتیادی رابطه دارند به‌گونه‌ای که افراد با عزت‌نفس پایین تمایل بیشتری به خود ارزشیابی منفی<sup>۷</sup> از خود دارند (Barrera, Chassin, & Rogosch, 1993). بدین ترتیب اعتیاد به‌عنوان مکانیزمی برای فاصله گرفتن و رهایی از این

- 
1. parental mediation styles
  2. restrictive and active mediation
  3. autonomy-supportive style
  4. Controlling style
  5. inconsistent style
  6. compositional argument
  7. negative self-evaluations

ارزیابی منفی و استرس‌های تنیده شده در روابط بین شخصی بکار برده می‌شود (Mesch, 2006: 125). مطالعه کراوت و همکارانش (۲۰۰۲) نیز نشان می‌دهد که انزوای ناشی از اینترنت ارتباط مستقیمی با ویژگی‌های شخصیتی کاربران اینترنت دارد. به‌گونه‌ای که افراد درون‌گرا<sup>۱</sup> هرچه بیشتر اینترنت مصرف کنند تنها تر<sup>۲</sup> می‌شوند اما در مقابل، تنهایی افراد برونگرا<sup>۳</sup> با مصرف بیشتر اینترنت کاهش می‌یابد.

نتیجه‌ای که از مطالعات یادشده می‌توان گرفت این است که تأثیرات رسانه‌های نوین بر ابعاد مختلف خانواده، به‌سادگی، تأثیراتی مستقیم و مثبت یا منفی نیستند. بلکه مسیر تأثیر این رسانه‌ها بر خانواده، به دلیل مداخله عوامل مختلف، بسترهای متفاوت اجتماعی و فرهنگی و همچنین مکانیزم‌های تأثیر، مسیر پیچیده‌ای می‌باشد. بر همین اساس، ما این دسته از مطالعات را ذیل رویکرد پیچیدگی تأثیرات معرفی می‌کنیم. رویکرد بوم‌شناسی انسانی<sup>۴</sup> به خانواده، چارچوب نظری مفیدی برای فهم این تأثیرات پیچیده می‌تواند فراهم کند. در این رویکرد، خانواده به‌عنوان یک نظام اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که در مواجهه با تغییرات محیطی از جمله فناوری‌های نوین به‌عنوان یک منبع عمده تغییرات اجتماعی، منفعل نمی‌باشد. خانواده درجات مختلفی از کنترل و آزادی را با توجه به اثر متقابل و رابطه‌اش با محیط دارد. در این رویکرد خانواده‌هایی نیمه‌باز و معطوف به هدف و پویا تلقی شده‌اند که دارای سیستم‌های انطباقی می‌باشند. آن‌ها در مواجهه با تغییرات محیطی، پاسخ داده، تغییر کرده و یا توسعه می‌یابند. یعنی هم‌زمان با تأثیرپذیری از محیط، قادر به اصلاح و تغییر محیط خود بوده و انطباق فرآیندی دائمی در اکوسیستم خانواده می‌باشد (Bubolz & Sontag, 2009: 426).

کاترین هرتلین (۲۰۱۲) با ترکیب رویکرد بوم‌شناختی خانواده با دو رویکرد کارکردگرایی ساختاری و رویکرد تعاملی-برساختی، مدلی ترکیبی برای بررسی

- 
1. introverts
  2. lonelier
  3. extroverts
  4. Human Ecology Theory

تأثیرات فناوری‌های نوین رسانه‌ای بر ابعاد ساختاری و فرآیندی خانواده ارائه کرده است. به لحاظ ساختاری، این فناوری‌ها منجر به بازتعریف قواعد از جمله قواعد حریم خصوصی، قواعد مصرف زمان و قواعد ارتباطات؛ مرزهای خانواده؛ و نقش‌های خانوادگی در خصوص ابعاد مختلف والدگری و وظایف خانگی می‌شوند. با این وجود، تأثیرات این فناوری‌ها بر خانواده مستقیم نبوده بلکه بر اساس رویکرد تعاملی-برساختی طی مصرف و برساخت، افراد مورد بحث و مذاکره قرار گرفته و دلالت‌ها و معنی فناوری‌ها به وسیله کاربران برساخته می‌شود (Hertlein, 2012: 375-6).

بدین ترتیب، ورود فناوری‌های نوین ارتباطی به خانه فرآیند پیچیده‌ای است که در آن اعضای خانواده به صورت فردی یا خانوادگی با این فناوری‌ها روبرو شده، و در تعامل با آن‌ها و پذیرش یا عدم پذیرش و سازگاری آن‌ها با روال‌های زندگی روزمره خود نقش فعالی ایفا می‌کنند (Haddon, 2006). این همان فرآیندی است که به عنوان اهلی سازی<sup>۱</sup> از آن یاد شده است. منظور از اهلی سازی، فرآیندی است که در آن فناوری‌های نوین، بر این اساس که به میزان زیادی ناآشنا و بنابراین هم جالب‌توجه و هم به طور بالقوه تهدیدکننده و ابهام‌برانگیز در نظر گرفته می‌شوند، تحت کنترل کاربران خانگی قرار می‌گیرند (Silverstone & Haddon, 1996: 60). این بدین معنی است که اهلی سازی، فرآیند تأثیرگذاری دوسویه است که در آن از یک سو اعضای خانواده، معنی و تأثیرات این فناوری‌ها را دگرگون کرده و در مقابل، فرایندهای فرهنگی و تعاملات خانواده نیز دگرگون می‌شوند (Carvalho, Francisco, & Relvas, 2015: 101).

## روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، فرا تحلیل می‌باشد. بدین منظور مقاله‌های مورد مطالعه از جستجو در چهار پایگاه داده‌های علمی از جمله: پایگاه مجلات تخصصی نور، بانک

اطلاعات نشریات کشور، پرتال جامع علوم انسانی و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی استخراج شده‌اند. سعی شده است تنها مقاله‌های چاپ‌شده در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گیرند. محتوای مقالات بر اساس رسانه مورد مطالعه، روش تحقیق، رویکردهای نظری بکار گرفته‌شده، متغیرهای تحقیق و یافته‌ها و نتایج مقوله‌بندی شده و به این ترتیب نویسندگان، این مقالات را با توجه به صورت بندی سه‌گانه ارائه‌شده در بخش پیشین مورد ارزیابی قرار دادند تا نسبت این مقالات را با این رویکردها بررسی کرده، خلأهای نظری و روشی را مشخص نموده و بر این اساس چشم‌انداز وسیع‌تری را برای پژوهش‌های بعدی و جدید فراهم نمایند.

### یافته‌های پژوهش

۱: قالب مقالات: ۶۵ درصد مقالات مورد بررسی در این مطالعه، در قالب علمی-پژوهشی بوده و ۳۵ درصد باقی‌مانده، در فصلنامه‌های علمی-تخصصی منتشر شده‌اند.

جدول ۱- توزیع فراوانی قالب مقاله‌های فرا تحلیل‌شده

قالب مقالات	فراوانی	درصد فراوانی
علمی-پژوهشی	۱۳	۶۵
علمی-تخصصی	۷	۳۵
جمع کل	۲۰	۱۰۰

۲: رسانه‌های مورد مطالعه: در مقالات مورد بررسی، اینترنت بیش از دیگر رسانه‌های نوین ارتباطی مورد توجه بوده است. موضوع محوری اغلب این مقالات (۴ مقاله از ۹ مقاله مربوط به اینترنت)، تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده می‌باشد (زنجانی زاده و جوادی، ۱۳۸۴؛ محمد پور و آزادی نژاد، ۱۳۹۲؛ احمدزاده کرمانی و قاسمی، ۱۳۹۲؛ ابوالقاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). مقالات دیگر موضوعاتی همچون

هرزه‌نگاری اینترنتی (ملک احمدی و همکاران، ۱۳۹۳)، اعتیاد اینترنتی (محمدی سیف و همکاران، ۱۳۹۳)، ازدواج اینترنتی (دستجردی و عرفان، ۱۳۹۱) و تأثیر اینترنت بر ابعاد مختلفی از تعاملات درون خانواده همچون، ساختار قدرت در خانواده و مناسبات نسلی (به‌عنوان مثال محسنی تبریزی و هاشمی، ۱۳۹۰؛ موحد و مردانی، ۱۳۹۲)، را مورد توجه قرار داده‌اند.

جدول ۲- توزیع فراوانی رسانه‌های مورد مطالعه

درصد	فراوانی	رسانه مورد مطالعه
۴۵	۹	اینترنت
۳۵	۷	ماهواره
۱۵	۳	رسانه‌های نوین
۵	۱	شبکه اجتماعی (فیس‌بوک)
۱۰۰	۲۰	جمع کل

در مرتبه دوم، ماهواره بیشترین مقالات را به خود اختصاص داده است. اغلب این مقالات (۴ مقاله از ۷ مقاله مربوط به ماهواره)، به تأثیر برنامه‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای بر تعاملات خانوادگی همچون انسجام خانواده، مناسبات خانوادگی و طلاق پرداخته‌اند.

**۳: روش پژوهش مقالات:** عمده مقالات مورد مطالعه در این پژوهش، از روش پیمایشی استفاده کرده‌اند. ۴ مقاله نیز با روش اسنادی (کتابخانه‌ای یا مروری)، به مطالعه تأثیرات رسانه‌های نوین بر خانواده پرداخته‌اند و تنها در ۳ مقاله از روش‌های کیفی بهره گرفته شده است. در اغلب مقالات مبتنی بر روش پیمایشی، به بررسی همبستگی بین میزان مصرف رسانه‌های نوین و ابعاد مختلف تعاملات خانواده اکتفا شده است و عموماً مکانیزم و عوامل مداخله‌گر در رابطه بین این دو متغیر مورد توجه قرار نگرفته است. در معدود مطالعات انجام شده با روش کیفی نیز، رویکرد آسیب شناسانه غلبه

داشته و پژوهشگر به‌جای تلاش برای راه یافتن به دنیای ذهنی کنشگران و استخراج مقولات و مفاهیم جدید مبتنی بر زمینه مطالعه، همچنان اسیر مقولات کلیشه‌ای از پیش موجودی همچون خیانت، برجسته‌سازی مسائل جنسی، اعتیاد جنسی، تشدید میل جنسی و ... می‌باشد (ملک احمدی و همکاران، ۱۳۹۳؛ نهاوندی و رشکیانی، ۱۳۹۰). علاوه بر این همه این مقالات از نوع مطالعات مقطعی بوده و تأثیر رسانه‌های نوین بر خانواده در یک مقطع زمانی واحد مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بنابراین تغییر این تأثیرات در طول زمان و تأثیر زمان بر نوع و جهت این تأثیرات مورد توجه قرار نگرفته است.

جدول ۳- توزیع فراوانی روش پژوهش مقاله‌ها

روش پژوهش	فراوانی	درصد
کمی - پیمایش	۱۳	۶۵
اسنادی (کتابخانه‌ای - مروری)	۴	۲۰
کیفی (مصاحبه، تحلیل محتوا)	۲	۱۰
ترکیبی (کمی - کیفی)	۱	۵
جمع کل	۲۰	۱۰۰

۴: **رویکرد نظری:** در مقالات مورد بررسی، تئوری‌ها و رویکردهای نظری متفاوتی مورد استفاده قرار گرفته‌اند که در مجموع این نظریات را می‌توان در سه دسته کلی از هم متمایز کرد: الف- نظریه‌های عمومی اثرگذاری رسانه ب- نظریه‌های جامعه‌شناختی و ج- نظریه‌های رسانه‌های نوین.

الف- نظریه‌های عمومی اثرگذاری رسانه: در بخش قابل توجهی از مقالات (۷۰ درصد) مورد بررسی در این فرا تحلیل، نظریه‌های عمومی اثرگذاری رسانه به‌عنوان مبنای نظری پژوهش و یا یکی از نظریه‌های تشکیل‌دهنده چارچوب نظری مورد توجه

بوده‌اند. در این میان، نظریه کاشت<sup>۱</sup> بیشتر از دیگر نظریه‌های عمومی تأثیرگذاری رسانه، بکار برده شده است. تئوری کاشت فرض می‌کند که رسانه‌های جمعی اثرات بلندمدت در نگرش بینندگان دارند، اثراتی که غیرمستقیم، تدریجی و کوچک هستند اما تراکمی و رو به افزایش می‌باشند و عمدتاً تأکید روی اثرات نگرشی است تا اثرات رفتاری (مزیدی شرف‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۹).

جدول ۴- رویکردهای نظری استفاده‌شده در مقالات

درصد (بر اساس تعداد ۲۰ مقاله)	فراوانی			
۷۰	۱۴	۶	کاشت	نظریه‌های عمومی اثرگذاری رسانه‌ها
		۲	الگوپردازی	
		۲	وابستگی مخاطبان	
		۱	برجسته‌سازی	
		۱	بازنمایی رسانه‌ای	
		۱	شکاف آگاهی	
		۱	نیل پستمن (زوال کودکی)	
۴۰	۸	۳	نظریه کنش ارتباطی هابرماس	نظریه‌های جامعه‌شناختی
		۲	مقاومت گروهی کلی و ولخارت	
		۱	رویکرد فمینیستی	
		۱	نظریه نمایشی گافمن	
		۱	تغییرات فرهنگی اینگلهارت	
۳۵	۷	۴	آنتونی گیدنز	نظریه‌های رسانه‌های نوین
		۱	هیوبرت دریفوس	

		۱	شری ترکل	
		۱	کاستلز	

بدین ترتیب خالدی و همکاران (۱۳۹۵)، در یکی از مقالات این فرا تحلیل در ارتباط با تأثیر رسانه‌های نوین بر ارتباطات خانوادگی، بر اساس نظریه کاشت نتیجه گرفته‌اند که رسانه‌ها بسیاری از تصورات ما از دنیای پیرامون را شکل می‌دهند. تصوراتی که نقش مؤثری در کنش اجتماعی، جامعه‌پذیری و ازین‌رو مناسبات خانوادگی ما دارند (خالدی، مهدوی و ساروخانی، ۱۳۹۵: ۷۴).

پس از نظریه کاشت، نظریات الگوبرداری<sup>۱</sup> و نظریات وابستگی<sup>۲</sup> مخاطبان، بیش از دیگر نظریه‌های عمومی اثرگذاری رسانه، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در برخی از مقالات با استفاده از نظریه الگوبرداری، تأثیر رسانه‌ها بر الگوهای روابط بین نسلی و روابط جنسیتی و همچنین تنوع الگوهای خانوادگی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. زنجانی زاده و محمدجوادی (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای با هدف بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده، نظریه وابستگی را مبنای کار خود قرار داده‌اند بدین‌صورت که کاربر اینترنت با وابسته شدن به اینترنت فرصت کمتری برای پرداختن به خانواده دارد و این ممکن است باعث کم‌اهمیت شدن خانواده نزد کاربر اینترنت و در نتیجه کاهش ارزش‌های خانواده شود (زنجانی زاده و محمدجوادی، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

ب- نظریه‌های جامعه‌شناختی: در مرتبه دوم، نظریه‌های جامعه‌شناختی، بیشترین کاربرد را در مقالات مورد بررسی در این مطالعه داشته‌اند. این نظریات (به‌استثنای نظریه کنش ارتباطی هابرماس) به‌طور مستقیم رسانه‌های نوین یا رسانه‌ها به‌طور عام را مورد توجه قرار نداده‌اند، اما در ۴۰ درصد مقالات مورد بررسی، از آن‌ها به‌عنوان مبنایی برای تحلیل تأثیرات رسانه‌های نوین بر ابعاد مختلف خانواده استفاده شده است. در این

---

1. Modeling Theory  
2. Dependency Theory

میان هم از نظریه‌های کلان و هم از نظریه‌های خرد استفاده شده است. از میان نظریه‌های کلان می‌توان به نظریه کنش ارتباطی هابرماس و نظریه تحول فرهنگی اینگلهارت اشاره کرد. در سطح خرد نیز می‌توان به نظریه کلی و ولخارت در خصوص مقاومت در برابر تغییر نگرش‌های گروهی<sup>۱</sup> و نظریه نمایشی گافمن اشاره کرد.

ج- نظریه‌های رسانه‌های نوین: از بین ۲۰ مقاله، تنها در ۷ مقاله، از نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی که مشخصاً به رسانه‌های نوین پرداخته‌اند، استفاده شده است. این نظریات دامنه نسبتاً وسیعی از نظریات کلان همچون نظریه جامعه شبکه‌ای مانوئل کاستلز<sup>۲</sup> و جهانی شدن گیدنز<sup>۳</sup> تا دیدگاه‌های کسانی همچون هیوبرت دریفوس<sup>۴</sup> و شری ترکل<sup>۵</sup> در خصوص اینترنت و فضای مجازی شکل گرفته توسط آن را دربر می‌گیرند. عدلی پور و همکارانش (۱۳۹۲)، برای بررسی تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر روابط خانوادگی کاربران اینترنت، از نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز، استفاده کرده‌اند و بیان کرده‌اند که در این جامعه نوظهور، قلمرو فرهنگی و نهاد خانواده، دستخوش تحولات شگرفی می‌شود و در این قلمرو، الگوهای مشابه شبکه‌ای شدن، انعطاف‌پذیری و ارتباط‌های نمادین زودگذر، بر محور یک نظام منسجم رسانه‌ای الکترونیکی و به‌طور مشخص اینترنت، به وجود می‌آید. رحمانی و همکارانش (۱۳۹۵) نیز، برای بررسی تأثیرات ماهواره بر ارزش‌های خانواده، از نظریه گیدنز بهره گرفته‌اند و بر اساس دیدگاه گیدنز در خصوص مسئله‌مند شدن اعتماد در دنیای مدرن و نقش رسانه‌ها به‌عنوان نقاط اتصال اجتماعی، ورود فناوری‌های نوین ارتباطی همچون ماهواره را به‌عنوان یکی از عوامل تضعیف‌کننده اعتماد و ارزش‌های خانوادگی موردتوجه قرار داده‌اند. محمدی سیف و همکارانش (۱۳۹۳) نیز با استفاده از نظریات دریفوس، ترکل و دیگران در خصوص گمنامی و حذف

- 
1. Resistance to Change of Group-Anchored Attitudes
  2. Manuel Castells
  3. Anthony Giddens
  4. Hiobert Darifos
  5. Shery Turkle

روابط چهره به چهره در اینترنت، تأثیر اینترنت بر کاهش تعاملات اجتماعی به‌ویژه ارتباطات نزدیک و صمیمی با اعضای خانواده را مورد توجه قرار داده‌اند.

در خصوص نظریه‌های بکار برده شده در مقالات مورد بررسی می‌توان به چند ایراد اساسی اشاره کرد. مهم‌ترین ایراد این است که در هیچ‌یک از این مقالات از نظریه‌های مرتبط با موضوع مطالعه یا به تعبیر بلیکی (۱۳۹۶)<sup>۱</sup> استفاده نشده است. اغلب نظریات بکار برده شده قرابت موضوعی با موضوع و مسئله مورد مطالعه ندارند. ایراد دیگر این است که اغلب این نظریه‌ها، نظریه‌هایی از نوع نظریه‌های کلان و نظری می‌باشند و با چارچوب‌های نظری - تجربی<sup>۲</sup> (بلیکی، ۱۳۹۶) قابل استفاده در مطالعات تجربی، بسیار فاصله دارند. به همین دلیل پژوهشگران نتوانسته‌اند بین این نظریه‌های کلان نظری و مطالعه تجربی، ارتباط مناسب برقرار کنند و عموماً در تحلیل یافته‌ها، با غیبت این رویکردهای نظری مواجه می‌شویم به‌گونه‌ای که در بخش قابل توجهی از مقالات بررسی شده، نظریه‌های بکار برده شده، کارکرد تبیینی خود را از دست داده و بیشتر کارکردی تزئینی پیدا کرده‌اند.

**۵: متغیرهای تحقیق:** متغیرهای مطالعه شده در مقالات مورد بررسی در این فرا تحلیل را می‌توان در دو دسته مقوله‌بندی کرد. دسته اول متغیرهای قلمرو رسانه می‌باشند که عموماً متغیرهای مستقل این مقالات را در برمی‌گیرند. دسته دوم نیز شامل متغیرهای قلمرو خانواده می‌باشند که به‌عنوان متغیرهای وابسته در این مقالات مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در دسته متغیرهای قلمرو رسانه، متغیر زمان مصرف رسانه، بیش از متغیرهای دیگر مورد توجه قرار گرفته است. پس‌از آن نیز متغیر محتوای رسانه، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. بدین ترتیب بررسی تأثیر زمان مصرف رسانه و محتوای رسانه بر ابعاد مختلف خانواده در اغلب مقالات عمومیت دارد، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت در ۱۴ مورد از مقالات بررسی شده (۷۰ درصد مقالات)،

---

1. substantive theory  
2. empirical-theoretical scheme

این دو متغیر به صورت جداگانه و یا هم‌زمان به‌عنوان متغیرهای مستقل، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

عدم تنوع متغیرها، در قلمرو خانواده نیز مشاهده می‌شود. تعاملات خانوادگی و ارزش‌های خانوادگی، در درصد قابل‌توجهی از مقالات به‌عنوان متغیرهای وابسته و متأثر از رسانه، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. آسیب‌های خانواده شامل مواردی همچون تضاد نسلی، طلاق، خیانت و خشونت نیز از جمله متغیرهای دیگری می‌باشند که به‌عنوان متغیرهای خانوادگی متأثر از مصرف رسانه‌های نوین در مقالات مورد مطالعه مورد توجه قرار گرفته‌اند. در اکثر قریب به اتفاق این مقالات، بر تأثیر منفی رسانه بر این ابعاد و متغیرهای خانوادگی تأکید شده است. تنها در یک مقاله (موحد و مردانی، ۱۳۹۲) که ساختار قدرت در خانواده به‌عنوان متغیر وابسته مطالعه شده است، تأثیر مثبت رسانه‌های نوین بر دموکراتیک‌تر شدن مناسبات قدرت در خانواده مورد توجه قرار گرفته است.

جدول ۵- متغیرهای مورد بررسی در مقالات فرا تحلیل

درصد	فراوانی	متغیرها	قلمرو
۶۰	۱۲	زمان مصرف	رسانه
۴۵	۹	محتوا	
۱۰	۲	دسترسی یا برخورداری	
۲۰	۴	سایر	
۴۰	۸	تعاملات خانوادگی	خانواده
۳۵	۷	ارزش‌های خانواده	
۳۵	۷	آسیب‌های خانواده	
۱۵	۳	اعتماد	
۱۰	۲	همسرگزینی	
۵	۱	ساختار قدرت	

۱۰	۲	سایر	
----	---	------	--

بر اساس این یافته‌ها می‌توان به چند نکته مهم اشاره کرد:

الف) تنوع چارچوب‌های نظری مورد استفاده در مقالات از یک‌سو و تمرکز این مقالات بر متغیرهای نسبتاً یکسان، نشان می‌دهد که تنوع در رویکردهای نظری نتوانسته پژوهشگران را به موضوعات و ابعاد متفاوتی از مصرف رسانه‌ای و تأثیرات مختلف آن هدایت کند. به‌گونه‌ای که مباحث و یافته‌های مطرح‌شده در مقالات از نوآوری برخوردار نبوده و غالباً تکرار مکررات می‌باشند.

ب) محدود بودن متغیرهای مورد مطالعه در مقالات فرا تحلیل به متغیرهای قلمرو رسانه و متغیرهای قلمرو خانواده، بیانگر بی‌توجهی پژوهشگران به متغیرهای مداخله‌گر و میانجی در تأثیر رسانه بر ابعاد مختلف مناسبات خانواده می‌باشد. به عبارت دیگر نوعی سطحی‌نگری در بررسی رابطه رسانه با ابعاد مختلف خانواده در این مقالات حاکم بوده و از پیچیدگی تأثیرات رسانه بر خانواده در اثر مداخله و میانجی‌گری متغیرهای دیگر غفلت شده است.

ج) علاوه بر سطحی‌نگری در خصوص تأثیر مستقیم رسانه بر خانواده، سطحی‌نگری در خصوص محدود بودن تأثیرات رسانه به تأثیرات منفی نیز وجود دارد. تنها در ۲ مقاله به بررسی تأثیر مثبت رسانه‌های نوین بر دموکراتیک‌تر شدن ساختار قدرت در خانواده پرداخته شده است و در سایر مقالات دیگر، تأثیر منفی این رسانه‌ها از جمله سست شدن تعاملات خانواده، تضعیف ارزش‌های خانواده، افزایش انواع آسیب‌های خانواده از جمله طلاق، خشونت، خیانت و ... مورد توجه بوده است.

۶: نتایج پژوهش‌ها: با توجه به رویکرد آسیب‌شناختی حاکم بر مطالعات رسانه و خانواده، یافته‌های قریب به اتفاق مقالات تأییدکننده تأثیر منفی رسانه‌های نوین بر ابعاد

مختلف خانواده می‌باشند. رویکرد آسیب‌شناختی نیز به صورت تکرار یافته‌های مشابه در این مقالات بازتاب یافته و در مقالات به یافته جدید یا متفاوتی برخورد نمی‌کنیم. غلبه رویکرد آسیب‌شناختی بر این مطالعات به حدی است که حتی در مواردی که یافته‌ها وجود رابطه منفی مصرف رسانه‌های نوین با ابعاد مختلف خانواده را تأیید نمی‌کنند نیز در نتیجه‌گیری مقالات بدون توجه به این یافته‌ها، همچنان بر تأثیر آسیب‌شناختی این رسانه‌ها بر خانواده تأکید شده است. به عنوان مثال در مقاله‌ای که به بررسی دیدگاه دانش آموزان در خصوص تأثیر اینترنت بر ابعاد هویتی آنان پرداخته شده است، با وجود اینکه یافته‌ها نشان می‌دهند که دانش آموزان بر این باورند که اینترنت تأثیری بر روابط خانوادگی آنان نداشته است، در نتیجه‌گیری این گونه آمده است که «در اثر مصرف فردی اینترنت، اعضای خانواده فقط در یک فضای فیزیکی مشترک خانوادگی قرار گرفته و هر فردی در دنیای خود سیر می‌کند» (محسنی تبریزی و هاشمی، ۱۳۹۰). در مطالعه مزیدی شرف‌آبادی و همکارانش (۱۳۹۳) در خصوص مقایسه نگرش افراد مطلقه و متأهل پیرامون نقش ماهواره در انسجام خانواده، هرچند یافته‌های مطالعه نشان می‌دهند که با افزایش زمان مصرف ماهواره، نگرش منفی افراد در خصوص تأثیر ماهواره بر روابط و انسجام خانواده کاهش می‌یابد (هرچند این یافته خود به لحاظ جهت تأثیر محل بحث می‌باشد)، در جمع‌بندی، نتیجه گرفته شده است که ساختار خانواده‌هایی که از شبکه‌های ماهواره‌ای استفاده نمی‌کنند در مقایسه با خانواده‌هایی که از شبکه‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کنند از انسجام بیشتری برخوردار می‌باشد.

غلبه رویکرد آسیب‌شناختی و باور به تأثیر مستقیم رسانه بر خانواده در این مقالات، و بی‌توجهی به مکانیسم‌های این تأثیر و غفلت از عوامل و متغیرهای میانجی به‌ویژه ویژگی‌ها و عوامل مربوط به خانواده، تصویری انفعالی از خانواده ارائه کرده است به گونه‌ای که خانواده به صورت مستقیم از این رسانه‌ها تأثیر پذیرفته و توانایی تعدیل و یا جلوگیری از این تأثیرات را ندارد. تنها در یک مقاله (نعیمی، ۱۳۹۰) به تأثیر

سبک تربیتی خانواده در تعدیل تأثیرات منفی ماهواره پرداخته‌شده و مکانیسم‌های دفاعی خانواده در برابر رسانه مورد توجه قرار گرفته است.

### بحث و بررسی

در این مطالعه، رویکردهای موجود در خصوص تأثیر رسانه‌های نوین بر ابعاد مختلف خانواده در سه رویکرد آسیب‌شناختی، تأثیرات ایجابی و پیچیدگی تأثیرات صورت‌بندی شدند و بر همین اساس، مقالات تولیدشده طی یک دهه اخیر با هدف بررسی رویکرد حاکم بر آن‌ها در خصوص تأثیرگذاری رسانه‌های نوین بر خانواده، مورد فرا تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های فرا تحلیل مقالات در ابعاد مختلف نظری و روشی، بیانگر نتایج زیر می‌باشد:

۱- **فقر نظری:** اکثر قریب‌به‌اتفاق مقالات مطالعه شده، از نظریه‌های عمومی تأثیرگذاری رسانه‌ها و در مرتبه دوم از نظریه‌های عام و کلان جامعه‌شناختی به‌عنوان رویکرد یا چارچوب نظری خود بهره برده‌اند. ۷ مقاله باقی‌مانده نیز هرچند از نظریه‌هایی استفاده کرده‌اند که در ارتباط با رسانه‌های نوین بوده‌اند با این‌وجود این نظریه‌ها نیز در ارتباط با تأثیرات و پیامدهای عام رسانه‌ها بوده و ارتباط مستقیمی با تأثیرات این رسانه‌ها بر ابعاد مختلف خانواده ندارند. بنابراین اغلب مقالات فرا تحلیل‌شده، فاقد رویکرد یا چارچوب نظری مناسب و یا به تعبیر بلیکی (۱۳۹۶) نظریه‌های موضوعی و چارچوب‌های نظری- تجربی برای هدایت و راهنمایی مطالعه بوده‌اند.

۲- **غلبه رویکرد آسیب‌شناختی:** عدم اتخاذ چارچوب یا رویکرد نظری مناسب در مقالات مطالعه شده، منجر به این شده است که دیدگاه‌های کلیشه‌ای در خصوص تأثیرگذاری منفی رسانه‌های نوین بر خانواده، هدایت‌کننده اغلب این مطالعه‌ها بوده و

مقالات مختلف باوجود استفاده از رویکردها و نظریات متفاوت، به‌طور یکسان رویکردی آسیب‌شناسانه به رسانه‌های نوین اتخاذ کنند و تأثیرات مثبت رسانه‌های نوین کاملاً مورد غفلت قرار گیرند. این موضوع در تکراری بودن یافته‌ها مبنی بر تأثیر منفی مصرف رسانه‌های نوین بر تعاملات و ارزش‌های خانواده و تأثیر مثبت آن‌ها بر ابعاد آسیب‌شناختی خانواده همچون خشونت، طلاق، خیانت و ... بازتاب یافته است. بدین ترتیب در اغلب این مطالعات، رسانه‌های نوین به‌عنوان رسانه‌های آسیب‌زا بازنمایی شده‌اند.

**۳- سطحی‌نگری:** مقالات فرا تحلیل‌شده دچار یک سطحی‌نگری مضاعف می‌باشند. به این معنا که علاوه بر محدود بودن به پیامدهای منفی رسانه‌های نوین و بی‌توجهی به تأثیرات مثبت این رسانه‌ها، مسیر و مکانیزم‌های تأثیرگذاری رسانه‌های نوین و تأثیر تعدیل‌کننده عوامل و متغیرهای مداخله‌گر و میانجی نیز کاملاً مورد غفلت قرار گرفته است و در بررسی رابطه بین مصرف رسانه‌های نوین و ابعاد مختلف خانواده تنها به بررسی همبستگی‌های دومتغیره اکتفا شده است. بدین ترتیب پیچیدگی تأثیرات رسانه‌های نوین و همچنین نقش متغیرها و عوامل میانجی نادیده گرفته شده است.

**۴- رویکرد انفعالی به خانواده:** تأکید بر تأثیرپذیری مستقیم و منفی خانواده از رسانه‌های نوین و بی‌توجهی به نقش تعیین‌کننده ویژگی‌ها و ابعاد خانواده در میزان مسیر این تأثیرات، منجر به ترسیم تصویری منفعلانه از خانواده در این مقالات شده است. بدین ترتیب به‌صورت ضمنی نگاهی مبتنی بر جبرگرایی تکنولوژیک در این مقالات وجود دارد و فرآیند اهلی سازی که ناظر به نقش فعال خانواده در پذیرش یا عدم پذیرش این فناوری‌های نوین و کنترل تأثیرات آن‌ها و همچنین تغییر معنی و بازتفسیر محتواهای تولیدشده است، در این رسانه‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

**۵- رویکرد ایستا:** یافته‌های فرا تحلیل مقالات در بخش روش نشان داد که همه این مقالات از نوع مطالعات مقطعی بوده و تأثیر رسانه‌های نوین بر خانواده در یک مقطع زمانی واحد مورد مطالعه قرار گرفته است. بدین ترتیب در این مقالات رویکردی ایستا و پایدار در خصوص تأثیر رسانه‌های نوین بر خانواده اتخاذ شده و تأثیر عامل

زمان آن‌گونه که در مطالعه کراوت و همکارانش (۱۹۹۸ و ۱۹۹۹) نشان داده شده است، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

با توجه به یافته‌های یادشده، مطالعات رسانه در زمینه خانواده نیازمند بازننگری‌های نظری و روشی است. در گام اول باید در اتخاذ رویکرد جبرگرایانه به تأثیرات فناوری‌ها احتیاط کرد. همان‌گونه که فیشر (۱۹۹۲) بیان کرده است، این رویکرد، شیوه‌هایی را که افراد به‌طور فعالانه برای شکل دادن به کاربرد و تأثیر فناوری بکار می‌برند نادیده می‌گیرد. بر همین اساس، فیشر (۱۹۹۲)، رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی<sup>۱</sup> را برای مطالعه تأثیر فناوری بر زندگی اجتماعی پیشنهاد می‌کند. در این رویکرد بر تمرکز پژوهشگران بر شیوه‌های به‌کارگیری فناوری‌های نوین رسانه‌ای در زمینه زندگی خانوادگی تأکید شده و از این طریق شیوه‌های کاربرد این رسانه‌ها و معناهای نسبت داده شده با این کاربردها مورد بررسی قرار می‌گیرند (Hughes & Hans, 2004). بدین ترتیب رویکرد منفعلانه در خصوص تأثیرپذیری افراد از این فناوری‌ها کنار گذاشته شده و استفاده از مدل‌های مفهومی در خصوص زمینه‌های خانوادگی و همچنین مطالعه شیوه‌های سازگاری خانواده‌ها با رسانه‌های نوین ضرورت می‌یابد.

دستیابی به چنین مدل‌های مفهومی، نیازمند استفاده پژوهشگران از نظریه‌های حوزه مطالعات خانواده است. به‌عنوان مثال رویکرد رشد خانواده به فهم تأثیرات متفاوت رسانه‌های نوین در مراحل مختلف زندگی خانوادگی کمک می‌کند. رویکرد بوم‌شناختی نیز نشان می‌دهد که اطلاعات چگونه بر اکوسیستم خانواده تأثیر گذاشته و چه انرژی جدیدی را وارد خانواده می‌کنند و در مقابل خانواده نیز چه فرآیندهای انطباقی مستمری هم‌زمان با تأثیرپذیری از این فناوری‌ها بکار می‌گیرد. بر اساس رویکرد تضاد نیز می‌توان به بررسی این موضوع پرداخت که رسانه‌های نوین چه منابع جدیدی را وارد خانواده کرده و توزیع این منابع به چه صورت بوده و چه تأثیری بر

---

1. social constructivist approach

سلسله‌مراتب اقتدار درون خانواده گذاشته و این تغییرات چه تضادهایی را در درون خانواده به همراه خواهند داشت. علاوه بر این، استفاده از رویکردهای ترکیبی همچون مدل ترکیبی هرتلین (۲۰۱۲)، دید جامع‌تری برای بررسی پویایی‌های مربوط به رسانه‌های نوین و خانواده فراهم می‌کند.

مطالعات رسانه در حوزه خانواده به لحاظ روش‌های بکار گرفته‌شده نیز نیازمند بازنگری می‌باشد. این مطالعات باید از روش‌های پیمایشی مبتنی بر داده‌های مقطعی فراتر رفته و دامنه روش‌های خود را گسترش دهند. همان‌گونه که هیوز و هانس (۲۰۰۴) بیان کرده‌اند، ترکیب روش‌های کمی با روش‌های مختلف کیفی جهت فراهم کردن توصیف غنی‌تری از فرآیندها و زمینه‌های خانوادگی‌ای که رسانه‌های نوین در آن مورد استفاده قرار می‌گیرند، ضروری است.

علاوه بر این، این مطالعات نیازمند نوآوری در خصوص تکنیک‌ها و شیوه‌های گردآوری اطلاعات می‌باشند. معمولاً اغلب این مطالعات مبتنی بر شیوه‌های خود اظهاری یکی از اعضای خانواده در خصوص میزان و نحوه مصرف رسانه‌ای و تأثیر آن بر خانواده می‌باشند. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهند یک نفر از اعضای خانواده نمی‌تواند گزارش و تصویر درستی از مصرف رسانه‌ای خانواده و فعالیت‌های مختلف دیگر ارائه کند (Hughes & Hans, 2004). به‌عنوان مثال مقایسه کراوت و همکارانش (۲۰۰۲) بین زمان مصرف اینترنت بر اساس خود اظهاری افراد و گزارش‌های واقعی مصرف اینترنت<sup>۱</sup>، نشان می‌دهد که همبستگی بین این دو تنها بین ۰,۴۲ تا ۰,۵۵ می‌باشد که پایین‌تر از سطح قابل قبول است. بدین ترتیب پژوهشگران نیازمند ترکیب روش‌های مختلف گردآوری داده‌ها همچون مشاهده، گزارش فعالیت‌های روزانه<sup>۲</sup> و ... برای فهم بهتر مصرف رسانه‌ای در خانواده می‌باشند. موضوع دیگر توجه به تأثیر زمان و ضرورت به‌کارگیری طرح‌های طولی برای بررسی شیوه‌های

---

1. actual Internet logs  
2. time diaries

دگرگونی و انطباق خانواده‌ها با تغییرات صورت گرفته در فناوری‌های رسانه‌ای است. الگوهای تعامل با رسانه‌ها، طی زمان و تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون سن فرزندان و افزایش تخصص و دانش رسانه‌ای تغییر می‌کند (Hughes & Hans, 2004). تکنیک‌های آماری تحلیل داده‌ها نیز باید از اکتفا به همبستگی‌های ساده دومتغیره فراتر بروند و با افزایش دامنه متغیرهای رسانه‌ای و متغیرهای مربوط به خانواده و همچنین توجه به متغیرهای میانجی و مداخله‌گر، از مدل‌ها و تکنیک‌های آماری پیچیده‌تری برای مطالعه و تبیین تأثیر رسانه‌های نوین بر ابعاد مختلف خانواده استفاده کنند. این مدل‌ها باید شامل ویژگی‌های شخصیتی، فرآیندهای متنوع خانوادگی (همچون مشارکت والدین در فعالیت فرزندان) و زمینه‌های مختلف اجتماعی (همچون فعالیت‌های خانگی، مراقبت از فرزندان، آموزش و ...) باشند (Bronfenbrenner, 1986). مدل‌های شخصی-فرآیندی-زمینه‌ای<sup>۱</sup> فهم غنی‌تری از نحوه تأثیر پذیرفتن افراد و خانواده‌ها از رسانه‌های نوین و فرآیندهای منجر به این تأثیرات و زمینه‌های رخ دادن این تأثیرات فراهم می‌کنند. فناوری‌های نوین رسانه‌ای همچون اینترنت و ... یک فضای روان‌شناختی، اجتماعی، سرگرمی و مصرفی می‌باشند که بر دامنه وسیعی از فعالیت‌های مثبت و منفی گشوده هستند و بدین ترتیب به شیوه پیچیده‌ای بر خانواده‌ها تأثیر می‌گذارند (Hughes & Hans, 2004). همچنین تنوع گسترده سبک‌های تعاملات و شرایط خانوادگی باعث می‌شود که تأثیر رسانه‌های نوین وابسته به سبک‌های ارتباطی خانواده‌ها و رفتارهای دیگر [ممکن است] بسیار متفاوت باشد. بنابراین فهم تأثیر این رسانه‌ها با اکتفا به بررسی همبستگی ساده بین مصرف رسانه‌ای و ابعاد مختلف خانواده ممکن نیست.

## منابع

- ابوالقاسمی، محمود؛ نوروزی، عباسعلی؛ طالب‌زاده نوبریان، محسن. (۱۳۹۲). «تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده از منظر هویت دینی و ملی». *مطالعات ملی*. دوره ۱۴. شماره ۱۳.
- احمدزاده کرمانی، روح‌الله؛ قاسمی، طیبه. (۱۳۹۲). «بررسی نقش اینترنت بر ارزش‌های خانواده (مورد مطالعه: جوانان منطقه ۱۵ تهران)». *مطالعات رسانه‌ای*. دوره ۸. شماره ۲۳.
- ایسپا. (۱۳۹۷). «استفاده از تلگرام همچنان ادامه دارد»، بازنشانی شده در ۱۳۹۷/۹/۱۴ به نشانی: <http://ispa.ir/Default/Details/fa/1978> استفاده از-تلگرام-همچنان-ادامه-دارد
- برات دستجردی، نگین؛ عرفان، آرزو. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر در گرایش به ازدواج اینترنتی در بین دانشجویان (با رویکرد آسیب شناسانه به ازدواج اینترنتی)». *رسانه و فرهنگ*. شماره ۴.
- بروجردی علوی، مهدخت؛ شمسی، آزاده. (۱۳۹۴). «نقش ماهواره در تغییر تصور ذهنی جوانان تهرانی از ازدواج». *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*. دوره ۶. شماره ۱۹.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۹۶). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*. ترجمه: چاوشیان، تهران: نشر نی.
- حسین ثابت، فریده؛ جهانگرد، زهرا؛ معتمدی، عبدالله. (۱۳۹۵). «رابطه بین هوش هیجانی، سبک‌های دل‌بستگی و همبستگی خانوادگی با استفاده از فیس‌بوک در کاربران». *مطالعات رسانه‌های نوین*. دوره ۲. شماره ۶.
- خالدی، اسد؛ مهدوی، سید محمدصادق؛ ساروخانی، باقر. (۱۳۹۵). «مطالعه جامعه‌شناختی رابطه بین فناوری‌های نوین ارتباطی و ارتباطات خانوادگی در شهر شیراز». *پژوهش‌های ارتباطی*. دوره ۲۳. شماره ۸۷.
- رحمانی، غلام عباس؛ وحید، فریدون؛ اسماعیلی، رضا. (۱۳۹۵). «بررسی تغییرات فرهنگی ناشی از استفاده از رسانه ماهواره در حوزه ارزش‌های خانواده». *پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی*. دوره ۶. شماره ۱۳.
- رشکیانی، مهدی. (۱۳۹۰). «بررسی اثرگذاری رسانه‌های تصویری بر نهاد خانواده». *رسانه و خانواده*. شماره ۱.
- زنجانی زاده، هما؛ جوادی، علی محمد. (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی ناحیه ۳ مشهد». *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۶. شماره ۲.
- سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی. (۱۳۹۷). بازنشانی شده در ۱۳۹۷/۹/۱۴ به نشانی: <https://opendata.cra.ir/Dashboard/ce0e0622-45de-4664-819a-8f6427d2f658?e=false&vo=viewonly>

### بازنمایی آسیب‌شناسانه رسانه‌های نوین در مطالعات ... ۳۵

- عدلی پور، صمد؛ سپهری، آسیه؛ علی زاده، محمدحسین. (۱۳۹۲). «شبکه اجتماعی فیس‌بوک و روابط خانوادگی کاربران جوان ایرانی». *رسانه و خانواده*. دوره ۲ و ۳. شماره ۸ و ۹.
- عرفان منش، ایمان؛ صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۹۷). «واکاوی مختصات تلفیق عاملیت نوجوانان و فناوری با توجه به خانگی شدن ICTS». *مطالعات رسانه‌های نوین*. دوره ۴. شماره ۱۳.
- فرقانی، محمد مهدی؛ بدیعی، بهار. (۱۳۹۴). «فرآیند اهلی سازی تکنولوژی رسانه‌ای: تجربه زیسته جوانان ایرانی در پذیرش تلفن همراه هوشمند». *مطالعات رسانه‌های نوین*. دوره ۱. شماره ۴.
- گلچین، مسعود؛ سخایی، ایوب؛ افشانی، علیرضا. (۱۳۹۱). «مطالعه میزان و نوع استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و مناسبات خانوادگی در بین شهروندان تهرانی». *مطالعات راهبردی زنان*. دوره ۱۴. شماره ۵۶.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ هاشمی، محمدرضا. (۱۳۹۰). «تأثیر اینترنت بر هویت اجتماعی دانش آموزان». *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. دوره ۳. شماره ۲.
- محمد پور، دکتر سارا؛ آزادی نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر رسانه‌های الکترونیکی اینترنت در ایجاد شکاف بین فرزندان و والدین تهرانی». *مطالعات رسانه‌ای*. دوره ۸. شماره ۲۲.
- محمدی سیف، معصومه. (۱۳۹۲). «شبکه‌های ماهواره‌ای و تغییر در کارکرد خانواده». *رسانه و خانواده*. دوره ۲. شماره ۷.
- محمدی سیف، معصومه؛ محمدی سیف، قاسم؛ نریمانی، سعید. (۱۳۹۳). «آسیب‌های اعتیاد به اینترنت در خانواده و انواع آن». *رسانه و خانواده*. شماره ۱۰ و ۱۱.
- مزیدی شرف‌آبادی، محمدرضا؛ مرتضوی، محمود رضا؛ افشانی سید علیرضا. (۱۳۹۳). «مقایسه نگرش افراد مطلقه و متأهل پیرامون نقش ماهواره در انسجام خانواده». *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*. شماره ۱۳.
- ملک احمدی، حکیمه؛ عدلی پور، صمد؛ پیرنیا، زهرا. (۱۳۹۳). «آسیب‌شناسی آثار هرزه‌نگاری اینترنتی بر روابط جنسی زوجها». *رسانه و خانواده*. شماره ۱۰ و ۱۱.
- موحد، مجید؛ مردانی، مرضیه. (۱۳۹۲). «رسانه‌های جمعی و ساختار قدرت در خانواده». *توسعه انسانی*. دوره ۷. شماره ۴.
- نعیمی، محمدرضا. (۱۳۹۰). «تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق (مطالعه موردی شهرستان گرگان)». *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*. دوره ۱. شماره ۱.

- نهاوندی، علی؛ رشکیانی، مهدی. (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل اثرگذاری سریال‌های شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان بر خانواده». *رسانه و خانواده*. شماره ۱.
- یاوری وثاق، مهدیه. (۱۳۹۱). «آسیب‌شناسی فرهنگی فن‌آوری‌های مدرن در خانواده و نقش رسانه‌های جمعی». *رسانه و خانواده*. دوره اول. شماره ۴.

- Amichai-Hamburger, Yair, & Elisheva Ben-Artzi. (2003). Loneliness and Internet use. *Computers in human behavior*, 19(1), 71-80.
- Barrera, Manuel; Laurie Chassin & Fred Rogosch. (1993). Effects of social support and conflict on adolescent children of alcoholic and nonalcoholic fathers. *Journal of personality and social psychology*, 64(4), 602.
- Battle, Paul Attewell, Juan. (1999). Home computers and school performance. *The information society*, 15(1), 1-10.
- Berardo, Felix M. (1998). Family privacy: Issues and concepts. *Journal of Family Issues*, 118, 4-19.
- Bovill, Moria & Sonia M. Livingstone. (2001). “*Bedroom Culture and the Privatisation of Media Use*” [online]. London: LSE Research Online.
- Bronfenbrenner, Urie. (1986). Ecology of the family as a context for human development: Research perspectives. *Developmental psychology*, 22(6), 723.
- Bubolz, Margaret M., & M. Suzanne Sontag. (2009). Human ecology theory. In *Sourcebook of family theories and methods* (pp. 419-450). Springer, Boston, MA.
- Buckingham, David. (2013). *After the death of childhood*. John Wiley & Sons.
- Carvalho, Joana; Rita Francisco, & Ana P. Relvas. (2015). Family functioning and information and communication technologies: How do they relate? A literature review. *Computers in Human Behavior*, 45, 99-108.
- Collier, Kevin M.; Sarah M. Coyne; Eric E. Rasmussen; Alan J. Hawkins; Laura M. Padilla-Walker; Sage E. Erickson, & Madison K. Memmott-Elison. (2016). Does parental mediation of media influence child outcomes? A meta-analysis on media time, aggression, substance use, and sexual behavior. *Developmental psychology*, 52(5), 798.

- Daly, Kerry J. (1996). *Families and time: Keeping pace in a hurried culture*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- DiMaggio, Paul; Eszter Hargittai; W. Russell Neuman, & John P. Robinson. (2001). Social implications of the Internet. *Annual review of sociology*, 27(1), 307-336.
- Fikkers, Karin M.; Jessica Taylor Piotrowski, & Patti M. Valkenburg. (2017). A matter of style? Exploring the effects of parental mediation styles on early adolescents' media violence exposure and aggression. *Computers in Human Behavior*, 70, 407-415.
- Fischer, Claude S. (1992). *America calling: A social history of the telephone to 1940*. Univ of California Press.
- Haddon, Leslie. (2006). The contribution of domestication research to in-home computing and media consumption. *The information society*, 22(4), 195-203.
- Haddon, Leslie, & Enid Mante-Meijer. (2016). *Parental mediation of internet use: Evaluating family relationships*. In Generational use of new media (pp. 31-48). Routledge.
- Hampton, Keith N., & Barry Wellman. (1999). *Examining community in the digital neighborhood: early results from Canada's wired suburb*. In Digital cities (pp. 194-208). Springer, Berlin, Heidelberg.
- Hertlein, Katherine M. (2012). Digital dwelling: Technology in couple and family relationships. *Family Relations*, 61(3), 374-387.
- Howard, Philip EN; Lee Rainie, & Steve Jones. (2001). Days and nights on the Internet: The impact of a diffusing technology. *American Behavioral Scientist*, 45(3), 383-404.
- Hughes, Jr, Robert, & Jason Hans. (2004). Understanding the effects of the Internet on family life. In *Handbook of contemporary families* (pp. 506-520). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Katz, James E., & Philip Aspden. (1997). A nation of strangers. *Communications of the ACM*, 40(12), 81-86.
- Katz, James E., & Ronald E. Rice. (2002) *Social Consequences of Internet Use*, Boston: MIT press.

- Kiesler, Sara; Bozena Zdaniuk; Vicki Lundmark, & Robert Kraut (2000). Troubles with the Internet: The dynamics of help at home. *Human-computer interaction*, **15**(4), 323-351.
- Kildare, Cory A., & Wendy Middlemiss. (2017). Impact of parents mobile device use on parent-child interaction: A literature review. *Computers in Human Behavior*, **75**, 579-593.
- Kraut, Robert; Sara Kiesler; Bonka Boneva; Jonathon Cummings; Vicki Helgeson, & Anne Crawford. (2002). Internet paradox revisited. *Journal of social issues*, **58**(1), 49-74.
- Kraut, Robert; Tridas Mukhopadhyay; Janusz Szczypula; Sara Kiesler, & Bill Scherlis. (1999). Information and communication: Alternative uses of the Internet in households. *Information Systems Research*, **10**(4), 287-303.
- Kraut, Robert; Michael Patterson; Vicki Lundmark; Sara Kiesler; Tridas Mukhopadhyay, & William Scherlis. (1998) '*Internet Paradox: A Social Technology that Reduces Social Involvement and Psychological Well Being?*', *American Psychologist* **53**: 1011-1031.
- Lenhart, Amanda; M. Maddenn, & Paul Hitlin. (2005). *Teens and technology*. Washington, DC: Pew and American Life Project.
- Lenhart, Amanda; Lee Rainie, & Oliver Lewis. (2001). *Teenage life online: The rise of the instant-message generation and the Internet's impact on friendships and family relationships*. Pew Internet and American Life Project. Online: [www.pewinternet.org](http://www.pewinternet.org).
- Livingstone, Sonia, & Magdalena Bober. (2004). *UK children go online*. London: London School of Economics.
- Lynd, Robert Staughton, & Helen Merrell Lynd. (1929). *Middletown; a study in contemporary American culture*. New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- McGrath, Siobhan. (2012). The impact of new media technologies on social interaction in the household. *Electronic Culture and Social Change*.
- Mesch, Gustavo S. (2003). The family and the Internet: The Israeli case. *Social Science Quarterly*, **84**(4), 1038-1050.
- Mesch, Gustavo S. (2006). Family characteristics and intergenerational conflicts over the Internet. *Information, Communication & Society*, **9**(4), 473-495.

- Mesch, Gustavo S. (2006). Family relations and the Internet: Exploring a family boundaries approach. *The Journal of Family Communication*, 6(2), 119-138.
- Morrison, Margaret, & Dean M. Krugman. (2001). A look at mass and computer mediated technologies: Understanding the roles of television and computers in the home. *Journal of Broadcasting & Electronic Media*, 45(1), 135-161.
- Newzoo. (2018). *Top 50 Countries/Markets by Smartphone Users and Penetration*, Retrieved 2018-12-05 at:  
<https://newzoo.com/insights/rankings/top-50-countries-by-smartphone-penetration-and-users/>
- Ogburn, William Fielding, & Meyer Francis Nimkoff (1955). *Technology and the changing family*. Boston: Houghton Mifflin.
- Orlean, Myron, & Margaret C. Laney. (2000). Early adolescent social networks and computer use. *Social Science Computer Review*, 18, 56-72.
- Padilla-Walker, Laura M.; Sarah M. Coyne, & Ashley M. Fraser. (2012). Getting a high-speed family connection: associations between family media use and family connection. *Family Relations*, 61(3), 426-440.
- Pasquier, Dominique; Carlo Buzzi; Leen d'Haenens, & Ulrika Sjöberg. (1998). Family lifestyles and media use patterns: An analysis of domestic media among Flemish, French, Italian and Swedish children and teenagers. *European Journal of Communication*, 13(4), 503-519.
- Plowman, , Lydia; Joanna McPake, & Christine Stephen. (2008). Just picking it up? Young children learning with technology at home. *Cambridge Journal of Education*, 38(3), 303-319.
- Rheingold, Howard. (1993). *The virtual community: Homesteading on the electronic frontier*. Reading, MA: Addison Wesley.
- Salaff, Janet W. (2002). Where home is the office: The new form of flexible work. In *The Internet in everyday life* (pp. 464-495). Oxford, England: Blackwell.
- Silverstone, Roger, and Leslie Haddon. (1996). Design and Domestication of Information and Communication Technologies: Technical change and everyday life. In *Communication by Design: The Politics of Information and Communication Technologie* (pp.44-74). Oxford: Oxford University Press.

- Smetana, Judith G. (1988). Adolescents' and parents' conceptions of parental authority. *Child development*, 321-335.
- Stoll, Clifford (1995). *Silicon snake oil: Second thoughts on the information highway*. New York: Doubleday.
- Subrahmanyam, Kaveri; Patricia Greenfield; Robert Kraut, & Elisheva Gross (2001). 'The Impact of Computer Use on Children's and Adolescents' Development', *Applied Developmental Psychology*. 22: 7-30.
- Venkatesh, Alladi, & Nicholas Vitalari. (1985). "Households and technology: The Case of Home Computers-Some Conceptual and Theoretical Issues." in *Marketing to the Changing Household*. (pp. 187-203). Ballinger Publishing.
- Villegas, Alessandra (2013). The influence of technology on family dynamics. *Proceedings of the New York State Communication Association*, 2012(1), 10.
- Wellman, Barry; Anabel Quan Haase; James Witte, & Keith Hampton. (2001). Does the Internet increase, decrease, or supplement social capital? Social networks, participation, and community commitment. *American behavioral scientist*, 45(3), 436-455.
- Yoon, Kyongwon. (2006). Local sociality in young people's mobile communications: A Korean case study. *Childhood*, 13(2), 155-174.